

متن پرسش

استادجون سلام، من بخاطر نتیجه انتخابات خیلی غصه خوردم و دوست دارم نظر شما رو نسبت به فکرام بدونم؛ ۱- اینکه مردم چندان گناهی نداشتن که به این انتخاب متمایل شدن چون نتیجه طبیعی چنین وضع اقتصادی متمایل شدن توده‌ها به سمت قطب سرمایه‌داریه، ولی این یه تلنگر بزرگ به اصولگراها بود که بدونن حتی اگه اونام بد کار کنن کنار گذاشته میشن و ملت فکر کردن که اصولگراها بهشون اهمیت ندادن و کمکاری کردن پس کنارشون گذاشتن، ولی فکر اینکه چه خوب برنامه ریزی شد تا تفکر مقابل رهبری روی کار بیاد خیلی دلمو میسوزونه اینکه از ۴ سال پیش تحریم‌اشدید بشن سرمایه‌داری داخلی هم همکاری کنن تا مردم بستوه بیان و جریان اعتقادی‌شونو بخاطر اقتصادشون نادیده بگیرن، ۲- توجریان انتخابات حجاب بودن امثال ولایتی برام خوب روشن شد ولی فکر کردن به اینکه توده مردم با رهبرین و در عین حال که به حرف ایشون گوش میکنن خیلی راحت متضادترین نظر مقابل ایشون رو انتخاب میکننن خیلیییی غصه داره و ایناز نظر من یعنی به حجاب رفتن رهبری! و این همون فتنه بزرگتر از ۸۸ رو برام تداعی میکنه، ۳- رهبری عزیز قبل انتخابات گفتن که ما نمیدونیم تقدیر الهی چیه... منم به حکمت کار خدا مطمئنم ولی حس میکنم همونطور که ۸۸ امتحان خواص بود ۹۲ شده بود امتحان عوام و ملتمون به خاطر این انتخاب تاوان پس میده، ۴- به نظرم روحانی فقط یه مهره س و هاشمی خودشو رئیس جمهور میدونه، وعرصه رو مناسب میبینن برا تاختن و دوباره روی کار آوردن تفکراتشون، ۵- توی مناظره‌ها عمق کینه‌ی اصلاح‌طبا رو نسبت به گفتمان انقلاب درک کردم و بهمین خاطر نگران هرروز حاشیه‌پرداختنشونم اگرچه به این نکته هم نظر دارم که به نسبت ۸-۱۶ سال پیش نیروهای انقلاب خیلی بیشتر و پخته‌تر شدن و آگاهی مردم و جهتگیری مجلس خیلی آزادشون نمیداره واسه هر خطایی، ولی شما خیلی ناامید نیستین انگار، میخوام بدونم حالا که رای آوردن سعی میکنید امیدوار باشید یا از قبل همینطور فکر میکردید؟ ۶- برای افزایش بصیرت و اخلاص چیکار کنیم تا به بهترین شکل ممکن توی تقدیر الهی نقش بازی کنیم؟ و در آخر اینکه استاد خیلیییی دوستتون دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- بنده با شما در این مورد موافقم که اگر اصول‌گراها هم به مردم اهمیت ندهند مردم از آن‌ها عبور می‌کنند، ولی قبول ندارم حالا کار دست سرمایه‌دارها افتاده. مگر انقلاب چنین اجازه‌ای به دولت می‌دهد؟ بر فرض هم که دولت بخواهد چنین کاری را بکند که روی این فرض

هم باید تأمل کرد ۲- بسیاری از آن‌هایی که به آقای روحانی رأی دادند قبول ندارند که رأی‌دادن به آقای روحانی به معنای پشت سرگذاشتن رهبری است، به‌خصوص که آقای روحانی در فیلم مستند شماره‌ی ۱ خود از رهبری بسیار خرج کرد و از طرفی آقای روحانی در هیچ‌جا چیزی نگفت که افراد تصور کنند مقابل رهبری می‌خواهد عمل کند ۳- بنده فکر نمی‌کنم مردم به جهت این انتخاب بتوانند پس بدهند، مردم تصور می‌کنند می‌توانند با انتخاب آقای روحانی هم انقلاب را داشته باشند و هم به گمان آن‌ها تندروی نداشته باشند ۴- خیلی تند قضاوت می‌کنید. هنر شما باید این باشد که جای افراد را بفهمید. بنده با تفکر آقایان هاشمی و روحانی و خاتمی موافق نیستم ولی هرگز این افراد را در مقابل انقلاب نمی‌دانم، هرچند فکر می‌کنم در عین احترام به رهبری در رابطه با آینده‌ی انقلاب و ارتباط با غرب نگاه دیگری دارند ۵- واقعاً ناامید نیستم چون با نگاه دیگری به جریان آقای هاشمی نگاه می‌کنم که در عین آن‌که تقابل زشتی با دولت آقای احمدی‌نژاد کرد ولی این کار را از سر دلسوزی می‌کرد و از این جهت باید مواظب باشیم همه‌ی جوانب را در نظر بگیریم ۶- برای افزایش بصیرت نظر من آن است که سعی کنیم جایگاه تاریخی انقلاب و جریان‌ها را بشناسیم. در کتاب اخیر تحت عنوان «جایگاه تاریخی حادثه‌ها و هنر اصحاب کربلا در فهم آن» سعی بنده همین نکته بوده است و اصل بصیرت را سعی کنید با سلوک ذیل شخصیت امام در خود نهادینه کنید. موفق باشید